

بیان و اثبات تفاوت ماهوی «معاملات مبتنی بر غرر» و «قراردادهای پوشش ریسک» از منظر فقه امامیه

احمد بهاروندی^۱

(تاریخ دریافت ۸۸/۱/۱۵ - تاریخ تصویب ۸۸/۳/۲۰)

چکیده

در جامعه امروز تقریباً تمام افراد به نحوی با مفهوم ریسک آشنایی دارند. از دیدگاه نظری هر فعالیت اقتصادی توأم با درجه‌ای از ریسک است. ریسک را نمی‌توان کاملاً حذف کرد، بنابراین مدیریت ریسک یکی از دغدغه‌های اصلی صاحبان سرمایه‌های اقتصادی است. از طرف دیگر به واسطه پیشرفت‌های حاصله در باب تکنیک‌های پوشش ریسک، در سال‌های اخیر اقبال فراوانی از طرف ارباب سرمایه به بازارهای مالی و این تکنیک‌ها حاصل شده است. راه‌های پوشش ریسک عمدتاً یا از طریق انجام معاملات خاص می‌باشد و یا به صورت اعمال مدیریت صحیح بر سرمایه صورت می‌گیرد. در عین حال سیطره به هنگام ملاحظات شرعی و حقوقی بر بازار سرمایه این ضرورت را ایجاب می‌کند که ماهیت این قراردادها به دقت مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق ما بر آنیم تا با مقایسه معاملات ریسکی و معاملات مبتنی بر غرر اثبات کنیم که این دو دارای ماهیت متفاوتی بوده و نمی‌توان صرف وجود ریسک در یک معامله را دلیل وجود غرر در آن معامله دانست.

واژگان کلیدی: ریسک، غرر، پوشش ریسک، سفته بازی.

مقدمه

به طوری که از شواهد و قرائن تعاریف و مدلولات معاملات و مبادلات روزمره جامعه برمی‌آید، چنانچه بیعی دارای شرایطی باشد که اطلاق مصداق عرفی «بیع غرری» بر آن نابجا باشد، می‌توانیم تأیید آن را از حیث نفی وجود غرر در آن معامله، ابراز کنیم. کما اینکه در خلال سطور

آتی اثبات خواهد شد که استفاده از روش‌های پوشش ریسک در فعالیت‌های اقتصادی و مالی، مطلقاً مصداقی برای بیع غرری نمی‌باشد و نیز پوشش ریسک براساس مبانی عقلایی و شرعی، امری کاملاً مورد تأیید می‌باشد. لذا نایستی معاملاتی که در راستای پوشش ریسک انجام می‌گیرند را، مصداق بیع غرری دانست چرا که این دو از هم جدا می‌باشند. بنابراین در ضمن بحث در باب انواع ریسک و انواع روش‌های برخورد با آن، در این مقاله بر روی دو امر متمرکز خواهیم شد. اول اینکه بحث ما در مورد انواع روش‌های برخورد با ریسک مختص به «پوشش ریسک» و در باب انواع آن مربوط به ریسک‌های «غیر منفور» یا «قابل تحمل» است که در ادامه شرایط این دسته از انواع ریسک، برشمرده خواهد شد.

غرر

پذیرش ابزارهایی که امروزه به عنوان روش‌های پوشش ریسک مطرح می‌باشند، در ممالک اسلامی با چالش‌هایی مواجه است. از جمله اشکالاتی که به انجام قراردادهای مدیریت ریسک ناشی از فعالیت‌های اقتصادی گرفته می‌شود، شبهه وجود «غرر» در بطن این گونه قراردادهای می‌باشد. بررسی سند و دلالت این قاعده فقهی و بیان حدود و گستره آن، راهنمای مناسبی برای استنباط احکام معاملات است و توجه به آن برای عموم محققان اقتصاد اسلامی به ویژه کسانی که در طراحی معاملات جدید و ابزارهای مالی نو برای بازار پول و سرمایه، کار می‌کنند ضرورت دارد (علیدوست، ۱۳۸۲: ۲).

معنای غرر

غَرَر واژه‌ای است عربی و دارای معانی گوناگون؛ «منتهی الارب» و «تاج العروس» آن را به معنای «خطر» آورده‌اند. در «اقرّب الموارد» به معنای «در معرض هلاک افتادن» آمده است. بیرجندی گوید: آنچه پایان و عاقبتش نامعلوم باشد، آن را غرر نامند. «اساس اللغه»، «مصباح»، و «مجمع البحرین» نیز غرر را به «خطر» تفسیر و تعریف کرده‌اند. در برخی از فرهنگ‌های لغت فارسی، غرر به معنای «هلاکت»، «خطر» و «فریب خوردن» آمده است. بعضی قاموس‌ها غرر را از مصدر «غراره» به معنای «خدیعه» و «غفلت» دانسته‌اند. به هر حال، برای واژه «غرر» معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند؛ مانند خطر (ریسک)، خدعه (نیرنگ)، امری که مورد تعهد و اطمینان نباشد، امری که ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد.

سند قاعده «نفی غرر»

مدرك اصلى قاعده نفى غرر، حديث معروف «نهى النبى عن بيع الغرر» است. امام خمينى (ره) در بحث «اعتبار قدرت بر تحويل عوضين در خريد و فروش» از شيخ انصارى نقل مى كند: «ظاهر نظر فقيهان شيعه اين است كه آنان به اتفاق براى استدلال قاعده به اين روايت استناد مى كنند (شيخ انصارى، ۱۴۱۸: ۱۸۵). ظاهر گفته سيدمرتضى - آنچه از كتاب انتصار او نقل شده - اين است كه فقيهان اهل سنت نيز به اتفاق به اين روايت استناد مى كنند (امام خمينى، ۱۳۶۳: ج ۳، ۲۰۴).

اين روايت در كتاب وسائل الشيعه (حرعالملى، ۱۹۸۳: باب ۴۰، ح ۳) و مستدرک الوسائل (طبرسى، ۱۴۰۸: كتاب تجارت، باب ۳۱، ح ۱) با سندهاى متعدد نقل شده و هيچ اشكالى در صحت استناد به آن نيست^۱، به طوري كه محقق نائينى آن را از مسلمات امت اسلامى دانسته است (امام خمينى ۱۳۶۳: ج ۳، ۲۰۴).

تطبيق و مصاديق قاعده نفى غرر

در اينجا ابتدا به ذكر بعضى از برداشت‌هاى ايراد شده توسط فقهاى اماميه در باب مصاديق «غرر» در معامله خواهيم پرداخت و در ادامه، ضمن برگزیدن سه موضع مشترك عنوان شده از سوى فقها را مورد بررسى قرار خواهيم داد.

مهمترين مواردى كه از ديد شهيد اول، مصاديق غرر هستند، عبارتند از:

- ۱- از جهت وجود مبيع، مانند حيوان گريزپا و فرارى؛
- ۲- از جهت حصول مبيع، مانند پرندۀ در هوا كه وجودش معلوم است؛
- ۳- از جهت جنس مبيع، مانند كالائى كه جنس آن معلوم نيست؛
- ۴- از جهت نوع مبيع، مانند فروش حيوانى از ميان ساير حيوانات؛
- ۵- از جهت مقدار مبيع، مانند كالائى كه مقدار آن معلوم نيست؛

۱- توجه امام خمينى (ره) در اين سخن به سندهاى است كه در وسائل الشيعه آمده است؛ البته اين سندها خالى از اشكال نيستند، مگر آن كه گفته شود اين روايت در صحيفه امام رضا (ع) آمده و آن صحيفه، كتابى مشهور است و انتساب آن به امام (ع) جاى تأمل ندارد؛ پس به بررسى سند خود روايت نيازى نيست. ر.ك: (حرعالملى، ۱۹۸۳: كتاب طهارت، ابواب وضو، باب ۵۴، ح ۴).

- ۶- از جهت تعیین مبیع، مانند یک جامه از دو جامه مختلف؛
- ۷- از جهت بقای مبیع، مانند میوه قبل از شکوفه زدن، از نظر برخی علما (شهید اول، ۱۳۰۸: ۲۵۳).

مهمترین مواردی که در عوائدالایام به عنوان مصادیق غرر دانسته شده اند، عبارتند از:

- ۱- خطر به اعتبار عدم اطمینان از نظر وجود مورد معامله؛ در این صورت مورد معامله، در معرض تلف است، مانند فروش جنین حیوانات؛
- ۲- خطر به اعتبار عدم اطمینان به امکان تسلیم، مانند این که تسلیم یکی از عوضین مقدور نباشد؛ چنین مبیعی در معرض عدم وصول است، مانند فروش پرنده در هوا و ماهی در دریا.
- ۳- خطر و غرر به اعتبار جهل به مقدار یا جنس و یا وصف مورد معامله (ثمن و مثنی) (نراقی: ۳۲).

مهمترین مواردی که از نظر صاحب عناوین، به عنوان مصادیق غرر دانسته شده اند، عبارتند از:

- ۱- جهالت نسبت به اوصاف مبیع از جهت کمیت و کیفیت؛
 - ۲- عدم اطمینان به وجود مبیع؛
 - ۳- عدم اطمینان به قدرت تسلیم مبیع (مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۲۶۹).
- حال که به عنوان مهمترین مصادیق غرر از منظر چند تن از فقهای برجسته فقه امامیه پرداختیم، بهتر است که در مورد معیارهای مشترک تشخیص مصادیق غرر از دید این علما و دیگر فقهای امامیه با تفصیل بیشتری بحث را ادامه دهیم.

اشتراط قدرت بر تسلیم عوضین معامله

مشهور فقیهان معتقدند قدرت بر تسلیم (تحویل) عوضین معامله، شرط صحت بیع است و شیخ انصاری در کتاب مکاسب بر این مطلب، ادعای اجماع می‌کند (شیخ انصاری، ۱۴۱۸: ۱۸۵) و فقط عده کمی از آنان مانند آیت‌الله خویی این شرط را لازم نمی‌دانند (خویی، ۱۳۷۷: ۵: ۲۶۷). بیشتر قائلان به اشتراط، به حدیث و قاعده نفی غرر استناد می‌کنند (شیخ انصاری، ۱۴۱۸: ۱۸۵) و برخی چون امام خمینی (ره)، حکم مشهور را قبول دارند؛ اما در مقام استدلال، استناد به قاعده را نمی‌پذیرند (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۳: ۲۰۷).

به نظر می‌رسد استدلال به حدیث برای اشتراط «قدرت بر تسلیم عوضین» مشکل است؛ چرا که برای صحت استدلال لازم است معنای «غرر»، چیزی مانند «امر مجهول الحصول» باشد تا نهی از بیع آن، شامل بیع چیزی که علم به حصول آن در دست منقول‌الیه نیست، بشود، و چنین معنایی ثابت نیست (علیدوست، ۱۳۸۲: ۵).

اشتراط علم تفصیلی به عوضین

مشهور فقیهان معتقدند که علم تفصیلی متعاقدين به مقدار یا کیفیت عوضین، شرط صحت بیع است. افزون بر این که بر این مطلب، ادعای اجماع و اتفاق شده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۸: ۱۹۰-۱۸۹ و امام خمینی، ۱۳۶۳: ۲۳۷ و ۲۴۳).

ادله‌ای که برای این شرط ذکر شده، چند چیز است:

۱- حدیث «نفی غرر»، البته اگر جهل به مقدار یا کیفیت عوضین به حدی باشد که سبب صدق عنوان دیگری شود که مانع از صحت بیع است، معامله از آن جهت باطل خواهد بود؛ اما باید توجه داشت که در این صورت، علت بطلان بیع، صدق آن عنوان مزاحم است، نه نبود علم تفصیلی، و به همین جهت به نظر می‌رسد که اگر عنوان دیگری نباشد، نمی‌توان به صرف نبود علم تفصیلی، به بطلان حکم کرد؛ چرا که اشتراط چنین شرطی نه به حدیث نفی غرر و نه به اجماع و نه به احادیث خاص تمام نیست (علیدوست، ۱۳۸۲: ۵).

۲- اجماع؛

۳- روایات خاص مانند صحیحۃ حلبی (حرعاملی، ۱۹۸۳: ابواب عقد بیع، باب ۴، ح ۲)، موثقه سماعه (حرعاملی، ۱۹۸۳: باب ۵، ح ۷)، روایت محمد بن حمران (حرعاملی، ۱۹۸۳: ح ۴) و غیر آن‌ها است؛ (حرعاملی، ۱۹۸۳: باب ۴ و ۵ سایر روایات) اما از این روایات، اعتبار چنین علمی (علم تفصیلی) استفاده نمی‌شود، بلکه ممکن است از برخی روایات دیگر خلاف آن استفاده شود (حرعاملی، ۱۹۸۳: باب ۸). حداکثر چیزی که از این روایات استفاده می‌شود، اصل معلوم بودن عوضین است؛ به گونه‌ای که عاقلان به معامله آن‌ها اقدام کنند و به همین جهت، افرادی چون شیخ انصاری (شیخ انصاری، ۱۴۱۸: ۱۹۰) در دلالت آن‌ها بر اشتراط علم تفصیلی مناقشه کرده و احتمال داده‌اند که روایات، اصلاً با محل بحث ارتباطی نداشته باشند.

اشتراط علم به شرایط معامله

امام خمینی (ره)، در مورد تعیین مدت پرداخت قیمت (ثمن) می‌فرماید: «در ثمن معامله شرط است که از نظر عرف معلوم باشد؛ به گونه‌ای که به دید عرف غرری نباشد؛ مانند تعیین یک ماه یا یک سال، و اطلاع از تعداد روزهای آن دو لازم نیست؛ چنان که اطلاع از تعداد مثقال‌های وزن‌های متعارف لازم نیست؛ بنابراین اگر یکی از «من» یا «کیل»‌های معروف نزد مردم را تعیین کنند و مثقال‌ها یا صاع‌های آن معلوم نباشد، معامله صحیح است و این مقدار از جهالت ضرری ندارد؛ زیرا در رفع غرر، علم به تمام جهات لازم نیست؛ مثل علم به کامل یا ناقص بودن ماه، و این که سال چند روز است، و حدیث نفی غرر - با آن معنای معروف بین فریقین که به معنای جهالت است - بر لزوم تعیین آن چه ذکر شد، دلالت می‌کند» (انصاری، ۱۴۱۸: ۳۳۴ و ۳۳۵).

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان بیان نمود که در باب سند و قاعده منتج از حدیث نفی غرر، به علت اینکه فقهای شیعه و اهل سنت در سطح گسترده‌ای به آن استناد کرده‌اند، جای مناقشه باقی نمی‌ماند (علیدوست، ۱۳۸۲: ۷).

آنچه قدر متیقن می‌باشد اینکه اشتراط علم به جوانب معامله از جمله شرایط عوضین، شرایط متعاقدین و شرط قدرت تسلیم و یا قابل اقباض بودن مورد معامله تا آنجایی مورد تأکید قرار گرفته است که عقلا و عرف، بر آن معامله صدق عنوان غرر نکنند.

مرحوم صاحب جواهر در معنای غرر می‌نویسد؛ غرری که از آن نهی شده است به معنای خطر ناشی از جهل به مقدار و صفات مبیع است، نه مطلق خطر؛ زیرا در بیع کالای غایب ضرورتاً خطر حاصل می‌شود و حال آنکه بیع کالای غایب جایز است و یا در بیع سردرختی و محصولات زراعی، مادامی که چیده و درو نشده باشند، غالباً خطر وجود دارد، اما بیع آنها صحیح و معتبر است. بنابراین مراد از غرر، مطلق خطر نیست (نجفی، ۱۴۰۰: ج ۲۲، ص ۳۸۸).

در این صورت به نظر می‌رسد که نزدیکترین معنا به غرر منهی در شرع را می‌توان به صورت «احتمال به خطر افتادن سرمایه به دلیل جهل یکی از طرفین قرارداد، از شرایط مبیع یا شرایط آتی بعد از جاری شدن معامله»، بیان کرد.

ریسک^۱ و مفهوم آن

ریسک در زبان عرف عبارت است از خطری که به علت عدم اطمینان در مورد وقوع حادثه‌ای در آینده پیش می‌آید و هر چقدر این عدم اطمینان بیشتر باشد، اصطلاحاً گفته می‌شود ریسک زیادتر است (راعی و سعیدی، ۱۳۸۳: ۴۶).

فرهنگ وبستر، ریسک را «در معرض خطر قرار گرفتن» تعریف کرده است. فرهنگ لغات سرمایه‌گذاری نیز ریسک را زیان بالقوه سرمایه‌گذاری که قابل محاسبه است، می‌داند. گالیتز^۲ ریسک را هر گونه نوسانات در هر گونه عایدی ذکر کرده است (راعی و سعیدی، ۱۳۸۳: ۴۶). تعریف مذکور این مطلب را روشن می‌کند که تغییرات احتمالی آینده برای یک شاخص خاص چه مثبت و چه منفی ما را با ریسک مواجه می‌سازد. بنابراین امکان دارد تغییرات ما را منتفع یا متضرر سازد. گیلب^۳، ریسک را این چنین معرفی می‌کند؛ «هر پدیده‌ای که بتواند نتیجه حاصل از آنچه سرمایه‌گذار انتظار دارد را منحرف سازد، ریسک نامیده می‌شود» (راعی و سعیدی، ۱۳۸۳: ۴۶).

اولین بار هری مارکوویتز^۴ بر اساس تعاریف کمی ارائه شده، شاخص عددی^۵ برای ریسک معرفی کرد. وی ریسک را انحراف معیار چند دوره‌ای یک متغیر تعریف کرد. به عنوان مثال ریسک نرخ ارز در خلال سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶ عبارت است از انحراف معیار نرخ ارز در این سال‌ها. سایر شاخص‌ها نیز به همین ترتیب محاسبه می‌شود؛ از جمله ریسک نرخ بازده‌ای سهام، ریسک تغییرات قیمت و ریسک نرخ سود. دیدگاه دیگری در خصوص تعریف ریسک وجود دارد که تنها به جنبه منفی نوسانات توجه دارد. هیوب^۶، ریسک را احتمال کاهش درآمد یا از دست دادن سرمایه تعریف می‌کند (راعی و سعیدی، ۱۳۸۳: ۴۶).

بنابراین برای تعریف ریسک می‌توان دو دیدگاه ارائه کرد:

-
- ۱ - Risk
 - ۲ - Galitz
 - ۳ - Gilb
 - ۴ - Markowitz
 - ۵ - Namerical Index
 - ۶ - Hube

دیدگاه اول: ریسک به عنوان هر گونه نوسانات احتمالی بازدهی اقتصادی در آینده.

دیدگاه دوم: ریسک به عنوان نوسانات احتمالی منفی بازدهی اقتصادی در آینده.

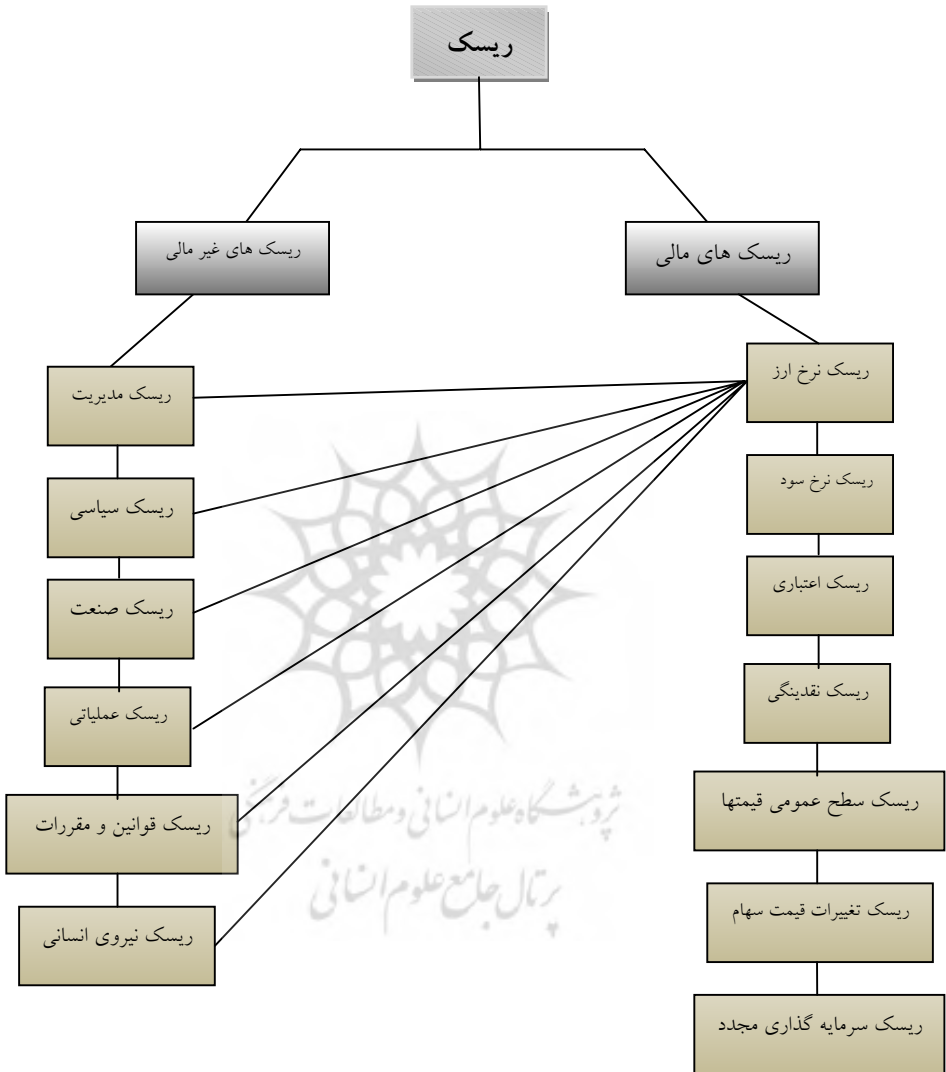
کلیه افراد و مشارکت کنندگان بازار، ریسک‌گریز می‌باشند و یا اینکه سطح قابل قبولی از ریسک را می‌پذیرند. مفهوم ریسک بدین جهت کاربرد زیادی در حوزه مالی پیدا می‌کند، چراکه مشارکت کنندگان بازار، در اولین مواجهه با هر گونه ورقه بهادار، از سطح ریسک آن می‌پرسند. البته به نظر می‌رسد امروزه سرمایه‌گذاران ایرانی چندان به متغیر ریسک در کنار متغیر بازدهی توجه نمی‌کنند و یا آن گونه که باید، آن را به عنوان معیاری مهم برای سرمایه‌گذاری مورد توجه قرار نمی‌دهند، در حالی که دو متغیر ریسک و بازده در کنار یکدیگر و همچنین بر اساس پرتفوی سرمایه‌گذاری که سهام جدید به عنوان عنصری از آن، کل بازدهی را می‌سازد، مورد توجه قرار می‌گیرد و پس از تحلیل جامع، اقدام به خرید سهام خاصی می‌شود (راعی و سعیدی، ۱۳۸۳: ۴۸).

انواع ریسک

ریسک به دو نوع کلی تقسیم می‌شود. دسته اول ریسک مربوط به بازار سرمایه است که در این حالت با توجه به ماهیت مالی متغیرها، روش‌های مدیریت ریسک برای کنترل آن اعمال می‌گردد. به عنوان مثال شرکت‌های تولیدی که تمام یا بخشی از مواد اولیه خود را از خارج از مرزهای یک کشور تهیه می‌کنند و یا تمام یا بخشی از محصولات خود را به خارج از مرزهای یک کشور صادر می‌کنند، با ریسک نرخ ارز مواجه‌اند؛ خصوصاً شرکت‌های چند ملیتی که دارای شعباتی در سایر کشورها می‌باشند، به وضوح این نوع ریسک را نظاره‌گر بوده‌اند. تغییرات نرخ سود، تغییرات قیمت سهام (در صورتی که بخشی از دارایی‌های یک شرکت در سهام سرمایه‌گذاری شده باشد)، تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها و ریسک اعتباری، انواع ریسک بازار سرمایه‌اند. در کنار ریسک بازار سرمایه، ریسک بازار محصول در دسته دوم قرار می‌گیرد که شامل انواع ریسک در سطوح عملیاتی می‌شود. البته این تقسیم‌بندی به مفهوم جدایی ریسک‌ها از یکدیگر نیست بلکه کلیه این ریسک‌ها با یکدیگر در ارتباط هستند و برای مطالعه ریسک در یک سازمان، باید تمامی این ریسک‌ها به صورت یک مجموعه مورد بررسی قرار داد.

نمودار زیر انواع ریسک‌ها و رابطه آنها را نشان می‌دهد. در این نمودار ارتباط شبکه‌ای انواع ریسک به مفهوم روابط پیچیده‌ای است که هر یک از انواع ریسک با انواع دیگر دارد. (البته

جهت پرهیز از شلوغ شدن شکل، تنها ارتباط ریسک نرخ ارز با سایر ریسک‌ها به تصویر کشیده شده است.



انواع روش‌های مواجهه با انواع ریسک

یک فعال اقتصادی در مقابله با ریسک‌های مختلف، یکی از استراتژی‌های زیر را در پی خواهد گرفت:

- ۱- حذف ریسک؛
- ۲- قبول ریسک؛
- ۳- استقبال از ریسک به منظور سفته بازی؛
- ۴- گوناگون سازی ریسک؛
- ۵- پوشش ریسک؛
- ۶- حذف ریسک.

شاید تصور شود که ساده‌ترین روش مقابله با ریسک، حذف آن است. پالایشگری که نیازمند نفت خام است می‌تواند با سرمایه‌گذاری سنگین، نفت خام را ذخیره‌سازی کند تا نگران افزایش قیمت نفت خام نباشد. بدیهی است با این کار، پالایشگر خود را در معرض ریسک دیگری قرار می‌دهد که کاهش قیمت نفت خام است. اگر قیمت کاهش یابد، این پالایشگر زیان سنگینی متحمل خواهد شد و در معرض رقابت شدید با پالایشگرانی قرار می‌گیرد که می‌توانند نفت خام ارزانتری تهیه کنند. از دیدگاه اقتصادی این استراتژی موقعی ثمربخش است که پالایشگر «مطمئن» باشد اولاً قیمت نفت خام افزایش خواهد یافت و ثانیاً میزان رشد قیمت و استمرار آن به قدری است که هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری برای ذخیره‌سازی را جبران خواهد کرد (درخشان، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

قبول ریسک

روش دیگری که این پالایشگاه می‌تواند برای مدیریت ریسک اتخاذ کند، «قبول ریسک» است. با قبول ریسک، این پالایشگر به مانند گذشته به فعالیت خود ادامه می‌دهد و با تکیه بر اصل «هر موقع لازم بود»^۱ اقدام به خرید نفت خام می‌کند. در این روش، پالایشگر به طور کامل در معرض ریسک نوسانات پیش‌بینی نشده قیمت نفت خام قرار می‌گیرد.

۱- این روش در «کنترل انبار» JIT به Inventory Control یعنی Just In Time (هرموقع لازم بود)، معروف است.

از دیدگاه اقتصادی، این استراتژی موقعی ثمربخش است که تأثیر تغییر نامطلوب و پیش‌بینی نشده قیمت بر هزینه تولید به دقت ارزیابی شده باشد. در این حالت، معمولاً مدیران ریسک بدترین وضعیت را در خلال دوره زمانی مورد نظر، مثلاً یک سال، پیش‌بینی کرده و تأثیر آنرا بر هزینه ارزیابی می‌کنند. مثلاً ممکن است مدیران ریسک به این نتیجه برسند که در بدترین حالت، قیمت نفت خام ممکن است ۵۰ درصد افزایش یابد که به تبع آن، قیمت فرآورده‌ها به طور متوسط ۳۰ درصد رشد خواهد کرد. با مطالعه تأثیر این تغییرات بر میزان سود و سهم بازار از یک طرف و امکان سنجی انتقال افزایش قیمت به مصرف‌کننده از طرف دیگر، چه بسا این پالایشگر بتواند ریسک تغییرات نامطلوب قیمت نفت خام را بپذیرد. بدیهی است که بایستی هزینه و فایده روش‌های دیگر مدیریت ریسک نیز به دقت بررسی و با استراتژی پذیرش ریسک مقایسه شود، زیرا همواره این احتمال وجود دارد که بتوان روش دیگری در مدیریت ریسک یافت که نسبت به روش «قبول ریسک» ارجح باشد (درخشان، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

استقبال از ریسک برای سفته بازی

روش «استقبال از ریسک»^۱ بدین معناست که پالایشگر با بهینه‌سازی مجموعه امکانات مالی و کالایی یا «سبد» خود، ریسک‌های قابل پیش‌بینی را به حداقل می‌رساند، و سپس به استقبال خطر می‌رود بدین امید که از سودهای بالاتر بهره‌مند شود. سودهای بالاتر، در واقع همان پاداشی است که این پالایشگر بابت خطرپذیری دریافت می‌کند، هر چند در عمل ممکن است به جای سود زیان‌های هنگفتی متحمل شود. به چنین استراتژی اصطلاحاً «سفته بازی»^۲ نیز می‌گویند. بدیهی است هر بنگاه اقتصادی توان و آمادگی لازم را برای اتخاذ این استراتژی ندارد. بنگاهی می‌تواند این روش را اتخاذ کند که اولاً آگاهانه بخواهد برای سود بیشتر به استقبال خطر برود و ثانیاً توان مالی و صلاحیت علمی و اجرایی را برای این کار داشته باشد (درخشان، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

۱- Leveraging Risk

۲- Speculation

گونگون سازی ریسک

استراتژی «گونگون سازی ریسک»^۱، بیشتر مربوط به مدیریت مجموعه اوراق بهادار یا «مدیریت سبد»^۲ است. به نظر می‌رسد این استراتژی در قالب ریسک معاملات کالا، حداقل به دو صورت زیر قابل اجراست: اول آنکه مدیر ریسک از مواد اولیه گونگونی استفاده کند تا ریسک نوسانات نامطلوب قیمت مواد اولیه صرفاً محدود به مورد خاصی نباشد، دوم اینکه با تنوع در تولیدات و استفاده از مواد اولیه مختلف، ریسک ناشی از آثار منفی تغییرات قیمت مواد اولیه تا حدی خنثی می‌شود (درخشان، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

مثلاً در مورد ارز، این مطلب بدین معناست که با گونگون سازی سبد ارزی، ریسک ناشی از کاهش ارزش پول ملی کشور در مقابل ارز خارجی مشخص تا حدودی خنثی می‌شود.

پوشش ریسک

«پوشش ریسک»^۳ به معنای اجتناب از ریسک نیست، بلکه بدین معنی است که مدیر ریسک، آگاهانه ریسک دیگری قبول می‌کند که با ریسک اولیه همبستگی منفی دارد. همبستگی منفی بدین معناست که جهت‌های این دو ریسک مخالف هم است. مثلاً هرگاه پالایشگاهی در معرض ریسک ناشی از افزایش قیمت نفت خام باشد، اقدام به «معامله جبرانی»^۴ می‌کند که بر مبنای ریسک کاهش قیمت نفت خام تعریف شده است. بدین ترتیب پالایشگران می‌توانند خود را در مقابل ریسک افزایش قیمت به نحو مقتضی پوشش دهند. این گونه معاملات معمولاً در «بازارهای آتی»^۵ انجام می‌شود (درخشان، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

۱ - Risk Diversification

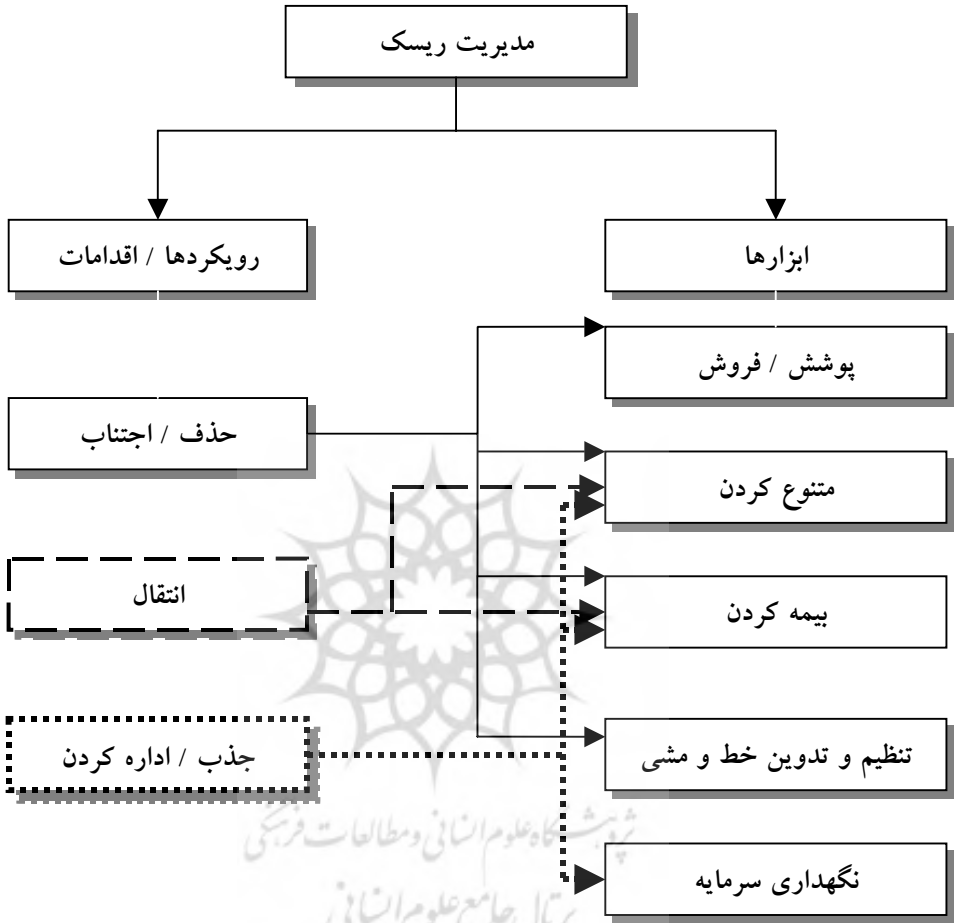
۲ - Portfolio Management

۳ - Hedging the Risk

۴ - Offsetting Transation

۵ - Future Markets

به طور کلی می‌توان رویکردهای مدیریت ریسک را در قالب شکل زیر بازگویی نمود



ریسک و پوشش آن بر اساس اصول حاکم بر مفاهیم اقتصاد اسلامی

اگر ما ریسک را امکان وقوع زیان تعریف کنیم، آنگاه از دیدگاه اسلامی چنین ریسکی نامطلوب است. اصول اسلامی به حفظ و توسعه ثروت دعوت می‌کنند. در معرض زیان قرار دادن ثروت به خودی خود نمی‌تواند یک هدف باشد. یکی از اقتصاددانان اهل سنت به نام "الغرافی"؛ بیان می‌کند که ضمان، یعنی محافظت از ثروت، به عنوان یک امر اقتصادی عقلایی مطلوب می‌باشد (سوايلم، ۲۰۰۶).

ارزش هر تصمیم اقتصادی اساساً به دلیل مخاطره‌آمیز بودن آن نیست، بلکه بواسطه ثروتی که خلق می‌کند و ارزشی که افزوده می‌شود، تعیین می‌شود. ریسک در ارزش منعکس است ولی ریسک فی نفسه تعیین‌کننده ارزش نیست.

هر زمان که پذیرش ریسک مورد تشویق قرار می‌گیرد به دلیل ارزش افزوده و ثروتی است که ایجاد می‌نماید. این موضوع تفاوت بین ریسک مشروع و نامشروع را مشخص می‌کند. ریسک مشروع زمانی است که ضرورتاً به خلق ارزش بیانجامد ولی وقتی که ارزش افزوده‌ای نباشد، تداعی‌کننده همان مفهومی است که از آن به شرط‌بندی یاد می‌شود.

ریسک‌های مورد پذیرش نظام اقتصادی اسلام

به طور کلی پوشش ریسک برای خنثی‌سازی و حداقل‌سازی ریسک به کار می‌رود. بر این اساس، پوشش ریسک مبتنی بر اهداف اقتصاد اسلامی است. موضوع این است که چگونه باید به این هدف رسید و چه ابزاری ما را برای رسیدن به این هدف یاری می‌کند. اگر ابزار فقط شامل سفته‌بازی محض و فعالیت‌های شرط‌بندی باشد، غیرمشروع خواهد بود. چرا که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۰۶).

شاید بتوان با توجه به آنچه تا کنون در مورد «غرر» و «ریسک» گفته شد، این گونه بیان کرد که در معاملاتی که در راستای پوشش ریسک صورت می‌گیرند، لازم نیست که طرفین حائز شرط «علم تفصیلی به عوضین» و «قدرت بر تسلیم عوضین» باشند، بلکه طبق نظر امام خمینی (ره)، آنچه مهم است این است که معلومیت عرفی برای نفی غرر کفایت می‌کند؛ گر چه علم به تمام جهات تعلق نگرفته باشد.

از طرفی این معلومیت عرفی بایستی به گونه‌ای باشد که طرف‌های معامله از اقدام به این معامله متضرر نشوند. به همین مناسبت یافتن شرایطی که تحت آنها ریسک موجود در معامله به گونه‌ای باشد که ضرر احتمالی طرفین را منتفی کند و یا به حداقل برساند، از جمله مسائلی است که ذهن متخصصین مالی اسلامی را به خود مشغول داشته است. در این رابطه تلاش‌هایی صورت گرفته است که از جمله مقاله آقای سواپلم، از جمله متفکرین مسلمان در زمینه مسائل اقتصادی می‌باشد. وی ضمن تقسیم ریسک به دو دسته ریسک‌های قابل تحمل و ریسک‌های غیرقابل تحمل، دسته ریسک‌های قابل تحمل را آن نوعی از ریسک می‌داند که با مبانی اسلامی سازگاری دارند و به تعبیر خودمان، «عرف» این معاملات را غرری نمی‌داند. در ادامه، ضمن ذکر نقطه نظرات ایشان در این باره، بحث خود را ادامه می‌دهیم.

متفکرین اسلامی شرایطی را که تحت آن می‌توان ریسک را تحمل کرد و همچنین شرایطی را که تحت آنها نمی‌توان ریسک را تحمل کرد بیان داشته‌اند. به طور کلی آنها شرایط زیر را برای ریسک قابل تحمل بیان کرده‌اند:

- ۱- غیرقابل اجتناب باشد؛
- ۲- غیرمهم باشد؛
- ۳- غیرعمدی باشد.

شرط اول بیان می‌دارد که ارزش افزوده بدون پذیرش ریسک زیان یا شکست، امکان‌پذیر نمی‌باشد. شرط دوم در مورد درجه ریسک است. یعنی احتمال شکست بسیار ناچیز باشد. متفکرین اسلامی بیان می‌دارند که احتمال شکست باید کمتر از احتمال موفقیت باشد تا اینکه ریسک قابل پذیرش گردد. این شرط، رویکرد اسلامی را از رویکرد سنتی و رویکرد نئوکلاسیک متمایز می‌کند. شرط سوم نتیجه دو شرط اول است. هدف یک فعالیت اقتصادی عادی، خلق ارزش است و نه ریسکی که لازمه این خلق ارزش باشد. بنابراین چنین ریسکی طبیعتاً نمی‌تواند انگیزه معامله باشد (سواپلم، ۲۰۰۶).

اجتناب ناپذیر بودن ریسک

اجتناب ناپذیر بودن ریسک بدین معنا است که ریسک، به نوعی غیرقابل جداسازی از معاملات واقعی و ارزش‌افزا می‌باشد. واضح است که جداسازی ریسک از مبادلات واقعی ریسک بیشتری را بوجود می‌آورد و اقتصاد را بی‌ثبات‌تر می‌کند (سواپلم، ۲۰۰۶).

از دیدگاه شریعت، معاوضه بدهی محض با یک قیمت معین (معاوضه علی الضمان) حرام می‌باشد و فقها بر آن اجماع دارند. این امر با روند عمومی معاملات مالی اسلامی، به منظور ارتباط با مبادلات واقعی نیز سازگارتر می‌باشد.

از دید اقتصادی ریسک برای پیشرفت اقتصادی و خلق ثروت ضروری است. طبق نظر آلن گرینسپن: «تمایل به پذیرش ریسک برای رشد اقتصاد بازار آزاد ضروری است. اگر همه پس‌اندازکنندگان و واسطه‌های مالی آنها فقط در دارائی‌های بدون ریسک سرمایه‌گذاری می‌کردند، پتانسیل رشد کسب و کار وجود نمی‌داشت» (برنستین^۱، ۱۹۹۶).

رئیس صندوق بین‌المللی پول هرست کلر در سال ۲۰۰۴ این مفهوم را بدین گونه شرح می‌دهد: «درحقیقت این تمایل به پذیرش ریسک و عدم اطمینان است که خلاقیت و پیشرفت فنی را بوجود می‌آورد و منجر به ایجاد شغل و رفاه می‌گردد» (خان و احمد^۲، ۲۰۰۱).

بنابراین ریسک به طور طبیعی از فعالیت‌های اقتصادی جدایی‌ناپذیر است. جداسازی مصنوعی ریسک باعث از بین رفتن آن نمی‌شود بلکه به اشکال پرخطر دیگری بر می‌گردد.

غیر مهم بودن ریسک

این نکته با استفاده از منابع فقهی روشن می‌شود که شرط قابل تحمل بودن ریسک آن است که احتمال شکست کمتر از موفقیت باشد. این مسأله بدون توجه به نتایج تصمیم صحیح می‌باشد. در جایی که تصمیم‌گیری مبتنی بر رویدادهای انتظاری است، این گفته در تعارض شدیدی با قانون مطلوبیت مورد انتظار می‌باشد. به عبارت دیگر رویدادهای انتظاری معادل حاصل ضرب احتمال وقوع یک حادثه در دستاورد آن می‌باشد. تفاوت بین این دو در لاتاری و بخت‌آزمایی آشکار می‌گردد.

در بخت‌آزمایی احتمال بردن جایزه بسیار کم است و در مقابل احتمال باختن قیمت بلیط بسیار زیاد است. از دیدگاه اسلامی این امر قابل پذیرش نیست. زیرا تقریباً اطمینان وجود دارد که زیان اتفاق خواهد افتاد. قانون مطلوبیت مورد انتظار مبتنی بر ارزش مورد انتظار است، بدون اینکه به احتمال وقوع حالت مخالف توجهی کند.

۱ - Bernstien

۲ - Khan, T. and H. Ahmed

حتی اگر احتمال ضرر بیشتر از ۹۹٪ باشد، تا زمانی که مبلغ جایزه به اندازه کافی زیاد باشد، نظریه ارزش مورد انتظار چنین ریسکی را می‌پذیرد. این قانون منجر به نوعی رفتار خیال‌بافانه می‌گردد که منجر می‌شود سرمایه‌گذار برطبق ترجیحات یا آرزوهایش عمل کند و به واقعیت موجود توجهی نداشته باشد. این نوع رفتار به درستی به عنوان فریب و جهل (غرر) توصیف می‌شود. تصمیم‌گیرنده به دلیل مبلغ جایزه فریب می‌خورد، به نحوی که گمان می‌کند بردن جایزه دارای احتمال وقوع زیادی است، درحالی که به احتمال زیاد می‌بازد (سویلیم، ۲۰۰۶).

غیر عمدی بودن ریسک

شرط احتمال موفقیت غالباً مترادف با این است که بگوئیم اقدام مورد نظر منجر به (یا سبب) نتیجه موفق می‌گردد. لازم نیست که یک سبب، منجر به نتیجه نهایی قطعی گردد. تنها کافیست که احتمال موفقیت را بیشتر کند (سویلیم، ۲۰۰۶).

از دید اسلامی، لازمه عدم اطمینان این است که تصمیم‌گیرنده، اقدامات مناسبی را برای رسیدن به نتایج مطلوب انجام دهد و در باقی (احتمال اندک شکست) به خدا اطمینان کند. اقدام مناسب ضروری است و نه مرجح. توکل به خداوند تصمیم‌عقلانی را تکمیل می‌کند و جایگزین آن نمی‌گردد. انجام اقدامی که احتمال شکست بیشتری دارد، نقض آموزه‌های اسلامی است. با توجه به مباحث مطرح شده در بالا به نظر می‌رسد استفاده از ابزاری که مشروعیت آن توسط شریعت تأیید گردد به منظور پوشش ریسک نوسانات موجود در بازار، امری پذیرفته شده و معقول باشد.

نتیجه‌گیری

از تعاریف تئوریک و عملی ریسک مشخص شد که اولاً تا افراد در فعالیت‌های اقتصادی شرکت نکنند و متحمل درجه‌ای از ریسک نشوند، هیچ‌گاه مستحق کسب سود نمی‌شوند. به عبارت روشن‌تر، تحمل درجه‌ای از ریسک در واقع همان چیزی است که فعالان اقتصادی را مستحق دریافت پاداش می‌کند. کما اینکه طبیعت بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی که از آنها انتظار سود می‌رود، برخوردار از یکسری ریسک‌های غیر قابل اجتناب و یا غیر مهم است که حتی مورد توجه فعالان در عرصه‌های گوناگون اقتصادی و مالی نیز قرار نمی‌گیرند و بنا بر این استدلال،

بیان شد که دسته‌ای از ریسک‌ها^۱ را می‌توان از دیدگاه عرف و اقتصاد اسلامی، ریسک‌های غیر منفور نامید. در اینجا می‌توانیم با بهره‌گیری از این مضمون به نکته دیگری نیز اشاره کنیم که آن نوع از معاملاتی که در بازارهای مالی از آنها به عنوان معاملات مبتنی بر سفته‌بازی یاد می‌شود، آن دسته از معاملات هستند که در راستای انتقال ریسک‌های منفور - که شرایط ذکر شده در خصوص ریسک‌های غیر منفور را دارا نمی‌باشند- به دیگران و در نتیجه کسب سود، انجام می‌گیرند.

در حقیقت ریسک و بازدهی دو رکن اصلی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری می‌باشند و همواره بیشترین بازدهی با توجه به حداقل ریسک، معیاری مناسب برای سرمایه‌گذاری است. ریسک لزوماً پدیده‌ای منفی نیست، بلکه به همراه هر فرصتی، ریسک نیز وجود دارد و اصولاً نمی‌توان کلیه ریسک‌ها را از بین برد، چرا که کلیه فرصت‌ها نیز بدین صورت از بین می‌روند.

ثانیاً وجود ریسک در یک معامله به این معنا نیست که طرفین معامله از وجود آن بی‌اطلاع هستند، بلکه برعکس علت نامگذاری آن به این نام، به خاطر آگاهی از حقیقت وجود آن است و گرنه بحث از کنترل و یا انواع دیگر روش‌های برخورد با آن را که تا به حال برشمردیم، هیچگاه توسط افراد انتخاب نمی‌شدند و صرف احتمالی بودن وقوع آن - چه احتمال قوی و چه احتمال ضعیف‌تر- است که آن را از شرایط اطمینان‌تیمیز می‌دهد.

ثالثاً بنا بر آنچه از مدلولات روایی و اظهارات فقها در باب روایت «نفی غرر» بر می‌آید، صدق عنوان غرر در یک معامله در جایی است که جهل یکی از طرفین معامله در مورد متعلق خاصی از معامله باعث ایجاد نقصان بر مال وی یا طرف مقابل شود؛ در حالی که در خصوص ریسک و صدق عنوان آن، هیچ‌گاه محل مناقشه، جهل طرفین در مورد موضوعی شفاف که علتی از علل آن را از دید طرفین معامله پنهان داشته، نمی‌باشد. به همین جهت است که در بحث مدیریت ریسک، یکی از راه کارهای کاهش آن عبارت است از کاهش اطلاعات نامتقارن و نکته اخیر می‌تواند در بر دارنده این حقیقت باشد که تلاش پوشش‌دهندگان ریسک در معاملات پوششی در بازارهای مالی، در واقع عبارت است از انتقال آن مقدار درصد از احتمال مورد توقع، که آنها پیش‌بینی می‌کنند، در صورت ادامه روند جاری اقتصاد به سبب دارایی آنها، نقصان وارد خواهد

۱- شاید نیاز به تذکر نباشد که منظور ما از این دسته ریسک‌ها، همان ریسک‌هایی است که دارای شرایطی مانند: ۱- غیر قابل کنترل بودن، ۲- طبیعی (غیر عمدی و اتفاقی) بودن، ۳- غیر مهم بودن، ۴- غیر قابل اجتناب بودن و... هستند.

کرد، که خود اثبات‌گر پنهان نبودن ریسک در معاملات پوششی می‌باشد. لذا صرف عدم قطعیت در مورد پدیده‌هایی که ممکن است در باب معاملات و قراردادهای تجاری و مالی وجود داشته باشد، آنها را از دیدگاه شرعی مذموم نمی‌سازد، بلکه آنچه مذموم است پنهان کاری و یا غیر واقعی جلوه دادن شرایط قرارداد برای طرفین قرارداد است که به عنوان مثال در بازارهای بورس از تبنانی عده‌ای از معامله‌گران به قصد انتفاع از تغییر در شرایط بازار، اتفاق می‌افتد.

منابع

- آقابابایی، محمد(۱۳۸۶)، **تحلیل مقایسه‌ای مدیریت ریسک اعتباری بر اساس محاسبه ارزش مخاطره‌ای در بانک رفاه کارگران در قبل و بعد از قانون بانکداری بدون ربا**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).
- انصاری، شیخ مرتضی(۱۴۱۸)، **کتاب المکاسب**، قم: مؤسسه الهادی، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن(۱۹۸۳)، **وسائل الشیعه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۴.
- خمینی(ره)، روح الله الموسوی(۱۳۶۳)، **کتاب البیع**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- خمینی(ره)، روح الله الموسوی(۱۳۶۸)، **تحریر الوسیله**، ترجمه: علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- خوئی، سید ابوالقاسم موسوی(۱۳۷۷)، **مصباح الفقاهه**، تقریر: محمدعلی توحیدی تبریزی، قم: انتشارات داوری، چاپ اول.
- درخشان، مسعود(۱۳۸۳)، **مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت**، تهران: مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی.
- راعی، رضا و سعیدی، علی(۱۳۸۳)، **مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک**، تهران: انتشارات سمت.
- رستم‌زاده گنجی، اسماعیل(۱۳۸۶)، **نور در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه**، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق(ع).
- طالب احمدی، حبیب(۱۳۸۰)، تأثیر غرر در معاملات، **مجله علوم اجتماعی و انسانی** دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول.
- طوسی، محمد بن حسن(۱۴۱۱)، **خلاف فی الفقه**، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، قاعده نفی غرر در معاملات، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، شماره ۹.

- محمد بن مکی معروف به شهید اول، (۱۳۰۸)، **قواعد**، چاپ سنگی، (بی نا).

- مراغه‌ای، میرعبدالفتاح (۱۴۱۸)، **عناوین**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، **سیری در سیره نبوی**، چاپ سی و ششم، انتشارات صدرا.

- نجفی، محمدحسین (۱۴۰۰)، **جواهر الکلام**، تهران: دار الکتب الاسلامی تهران، چاپ ششم.

- النوری طبرسی، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

- Al-suwailem, Sami (2006), **Hedging in Islamic finance**, Islamic development bank, Jeddah.
- Bernstien, P. (1996), **Against the God**, John Wiley & Sons.
- Khan, T. and H. Ahmed (2001), **Risk management: An Analysis of Issues in Islmic Financial Industry**, Islamic Research and Training Institute, Jeddah, Suadi Arabia.
- Obaidollah, Mohammad, Islamic risk management : towards greater risk and efficiency, **International Journal of Islamic Financial Services**, Volume 3.